

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده قرعه
موضوع جزئی: فرق بین قرعه، استخاره و استقسام بالأزلام.
کلام ابن ادریس و محقق اردبیلی و بررسی آن‌ها.
تاریخ: ۷ مهر ۱۳۹۸
مصادف با: ۲۹ محرم ۱۴۴۱
جلسه: ۴

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

خلاصه جلسه گذشته

بحث در فرق بین قرعه، استقسام بالأزلام و استخاره بود. ما این سه واژه را اجمالاً معرفی کردیم. فرق بین قرعه و استقسام بالأزلام را بیان کردیم. فرق بین قرعه و استخاره را هم ذکر کردیم. منتهی چون ابن ادریس مطلبی را در این مقام بیان کرده و استخاره را در سه قسم از پنج قسم آن انکار کرده، لازم است مطلب ایشان مورد تعرض و رسیدگی قرار گیرد.

کلام ابن ادریس درباره استخاره

ابن ادریس می‌گوید: اگر انسان در امور دنیوی و دینی می‌خواهد کاری را انجام دهد، مستحب است دو رکعت نماز بجا آورد و در این نمازها هرچه می‌خواهد قرائت کند، در رکعت دوم قنوت کند و بعد از سلام دعا کند برای مطلوب خودش و آنگاه سجده کند و در سجده صد مرتبه «استخیرالله فی جمیع اموری خیرة فی عافیة» بگوید و آنگاه آنچه بر قلبش گذشت را مورد توجه قرار دهد و بر طبق آن عمل کند. اما رقا و و بنادق و قرعه از اضعف اخبار آحاد و شواذ اخبار است. چون راویان آن‌ها یکی زُرعة (یعنی زرعة ابن محمد حضرمی) است و دیگری رفاة (که منظور رفاة ابن موسی) است و این‌ها فَطْحی هستند و روایاتی که این دو نفر متفرد در نقل آن‌ها باشد، مورد توجه و التفات واقع نمی‌شود. وی در ادامه می‌گوید محصلین از اصحاب ما جز آنچه ما گفتیم در کتب فقه چیزی ذکر نکردند و رقا و قرعه و بنادق را در کتب عبادات آوردند. شیخ طوسی آن را در نهایت و مبسوط و اقتصاد آورده و شیخ مفید هم در رساله ای که به فرزندش نوشته، این را ذکر کرده. یعنی این دو نفر از استخاره فقط همین روش را بیان کردند و دیگر متعرض رقا و بنادق نشده اند. ابن برّاج هم نظری که ما اختیار کردیم را اختیار کرده است و وجوهی در استخاره ذکر کرده که احسن آن وجوه همان است که ما گفتیم.

این خلاصه سخن ابن ادریس در سرائر است.^۱

ما حصل کلام ابن ادریس نفی مشروعیت استخاره به تسبیح و رقا است و البته نامی از استخاره به قرآن نبرده ولی علی الظاهر قرآن هم مشمول عبارت ایشان هست. بنابراین استخاره در نظر ایشان فقط این است که انسان بعد از نماز و دعا خدا طلب خیر کند و آنچه که در قلبش گذشت را عمل کند.

۱. سرائر، ج ۱، ص ۳۱۳ و ۳۱۴.

سوال:

استاد: بنادق جمع بُندُق است، و بُندُق به معنای گلوله های گلی است که به اندازه فندق بود. آنوقت برای قرعه این گلوله ها را در واقع درون آن کاغذ ها قرار می دادند و کاغذ ها را می پیچاندند دور این گلوله ها. صاحب جواهر هم همین سخن ابن ادریس را تقریبا به نحو کامل نقل کرده.^۱ به هر حال، ایشان معتقد است استخاره ای که معروف است و الان مخصوصا در بین متدینین و علما رایج است، اساسش اخبار آحاد ضعیف و اخبار شاذ است.

بررسی کلام ابن ادریس

لکن بزرگان بعد از ابن ادریس به این سخن او اشکال کرده اند.

تقریبا دو اشکال مرحوم علامه دارد و یک اشکال هم شهید به ابن ادریس وارد کرده و نهایتا صاحب جواهر هم بعد از نقل اشکالات علامه و شهید به ابن ادریس، خودش هم تأیید کرده این اشکالات را و یک نکته هم خودش اضافه کرده است.

سوال:

استاد: از باب اینکه ما عرض کردیم استخاره پنج نوع است. اگر این پنج نوع را بخواهیم دسته بندی کنیم، گفتیم دو دسته وجود دارد؛ یک دسته آن استخاره ای که با دعا و نماز منجر به هدایت قلب به یکی از طرفین امر می شود بدون استفاده از ابزار. آن سه قسم یعنی استخاره به رقاع، تسبیح و قرآن، در واقع ابزار هایی داشتند و چون استخاره به قرآن از این جهت مشترک با دو قسم دیگر است ما آن را مشمول عبارت ابن ادریس دانستیم.

اشکال اول (علامه)

علامه در واقع دو اشکال به ابن ادریس دارد: یک اشکالش خیلی مهم نیست و به این عبارت ابن ادریس بر می گردد که گفت محصلین از اصحاب ما جز آنچه ما گفتیم در کتب فقه ذکر نکردند یعنی همان استخاره به نماز و دعا. ولی رقاع و بنادق را در کتب عبادات آوردند. اشکال علامه این است که چه فرقی است بین کتب فقه و عبادات؟ بالاخره در هر دو کتاب بر اساس ادله و مستندات مطلب نوشته شده است و بعلاوه این کلام نقض دارد چون شیخ مفید استخاره به رقاع و استخاره به قرعه را در مقنعه آورده که یک کتاب فقهی و فتوایی است. شیخ طوسی هم آن را در تهذیب آورده که اصل الفقه است. چون ایشان به شیخ مفید و شیخ طوسی استناد کرد که این دو نفر رقاع، بنادق و قرعه را در کتب فقهی خود نیاوردند ولی علامه پاسخ میدهد که هر دو در کتب هایشان آورده اند و ائمه محصل اعظم من هذین: المفید و الشیخ.

اشکال دوم (علامه)

^۱ جواهر، ج ۱۲، ص ۱۶۶.

اشکال دوم که مهم است و در واقع به استدلال ابن ادريس بر می‌گردد این است که:

اولاً: ظاهراً ابن ادريس احاطه اش به روایات و رجال کم بوده است. چون ابن ادريس ادعا کرده که این روایت از زرعة و رفاعة نقل شده در حالی که این دو روایت اساساً از این دو نفر نقل نشده، بلکه از دو نفر دیگر نقل شده است: یکی هارون ابن خارجة عن الصادق (عليه السلام) و دومی را محمد ابن يعقوب عن علي ابن محمد رفعه عنهم (عليهم السلام) نقل کرده و در این دو طریق زرعة و رفاعة ذکر نشده اند.

ثانیاً: اینکه زرعة و رفاعة را فَطْحِي دانسته، این هم صحیح نیست. چون رفاعة ابن موسی و زرعة ابن محمد حضرمی فَطْحِي نیستند. زرعة بنا بر آنچه که در تاریخ آمده واقفی بوده و البته ثقه. رفاعة ابن موسی هم ثقه است و مذهبش صحیح است یعنی نه تنها واقفی نیست بلکه صحیح المذهب است. لذا ادعای ابن ادريس قابل قبول نیست و مردود است.

سوال:

استاد: ممکن است که مبنای ابن ادريس این بوده که اگر راوی غیر امامی باشد، خبرش حجت نیست، یعنی اشکال عدم اعتبار خبر به این جهت باشد. این در مورد زرعة درست است ولی در مورد رفاعة صادق نیست. بعلاوه اینکه گفته اگر این‌ها متفرد در نقل باشند، معلوم می‌شود که مشکل از حیث مذهب نیست.

این دو اشکال علامه در مُخْتَلَف بود.^۱

اشکال سوم (شهید)

شهید هم در ذکری اشکالی به ابن ادريس دارد و از اینکه ابن ادريس می‌گوید روایات دال بر استخاره بالرقاع از شواذ اخبار است، اظهار تعجب کرده و می‌گوید چگونه شاذ است در حالی که همین محدثین در کتاب هایشان و مصنفین در تألیفات و تصنیفاتشان این روایات را آورده اند؟ ابن طاووس یک کتاب ضخیمی در استخارات نوشته و در آن بر روایات رقاغ اعتماد کرده، آنوقت چطور ایشان آن را از شواذ اخبار دانسته است.^۲

اشکال چهارم (صاحب جواهر)

صاحب جواهر بعد از اینکه این سه اشکال را بیان کرده، نهایتاً به اینجا می‌رسد که بر فرض از اخبار ضعیف باشد، تسامح در ادله استخاره هم جاری می‌شود. اگر ما تسامح را در ادله سنن جاری بدانیم، ادله استخاره هم مشمول آن قرار می‌گیرد و لذا این هم یک اشکال چهارمی است بر ابن ادريس که دوتا از علامه، یکی از شهید در ذکری و یکی هم صاحب جواهر.^۳

سوال:

۱. مُخْتَلَف، ج ۲، ص ۳۵۶ و ۳۵۷.

۲. ذکری، ج ۴، ص ۲۶۷.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۱۶۷.

استاد: شهید ادعای شهرت نمی‌کند، بلکه نفی شاذ بودن خبر را می‌کند.

پس فرق بین استخاره و قرعه هم معلوم شد؛ ما تا اینجا فرق بین قرعه و استقسام بالأزلام را تا حدودی معلوم کردیم و فقط فرق بین استخاره و استقسام بالأزلام می‌ماند.

فرق بین استخاره و استقسام بالأزلام

با توجه به آنچه که گفتیم، فرق بین آن دو هم معلوم می‌شود که استخاره یک نوعی از قرعه مشروع است. استقسام بالأزلام هم ممکن است که از نظر شکلی مانند قرعه باشد ولی فارق بین استخاره و استقسام بالأزلام، همان فارق بین قرعه و استقسام بالأزلام است. فارق اصلی، اتکا قرعه بر توحید و اتکا استقسام بالأزلام بر شرک است البته در نوع اول و دوم آن از انواع سه گانه که قبلاً گفتیم.

کلام محقق اردبیلی درباره استخاره

از همینجا به مناسبت بررسی می‌کنیم مطلبی را که نسبت داده شده به محقق اردبیلی؛ مرحوم آقای بجنوردی در قواعد فقهیه^۱ یک بیانی دارد در فرق بین استخاره و استقسام بالأزلام و بعد در آخر کلام این عبارت را دارد: «و مما ذکرنا یظهر لک عدم صحه ما ذکره المقدس الأردبیلی فی آیات احکامه فی تفسیر قوله تعالی «و أن تستقسموا بالأزلام» و علی هذا یفهم منه تحريم الإستخارة المشهورة التي قال الأكثر بجوازها بل بإستحبابها و یدل علیه الروایات»^۲.

ایشان بعد از ذکر یک توهم و دفع آن توهم این نتیجه را گرفته که از آنچه که ما ذکر کردیم، معلوم می‌شود که آنچه مقدس اردبیلی در زبدة البیان در تفسیر آیه «و أن تستقسموا بالأزلام ذلکم فسق» در ذیل این آیه گفته صحیح است. عبارت مقدس اردبیلی این است: «و علی هذا یفهم منه تحريم الإستخارة مشهورة التي قال الأكثر بجوازها بل بإستحبابها و یدل علیه الروایات»؛ ایشان ادعا کرده که عبارت مقدس اردبیلی صریح در تحريم است.

برای اینکه اصل سخن آقای بجنوردی معلوم شود و اینکه چه مقدمه ای را طی کرده تا به این نتیجه رسیده است را خیلی کوتاه بیان می‌کنم که ببینیم کجای کار ایشان اشتباه بوده.

کلام محقق بجنوردی در اسناد تحريم استخاره به محقق اردبیلی

مرحوم آقای بجنوردی اول یک توهمی را ذکر می‌کند که بعضی توهم کردند بیان قرآن درباره استقسام بالأزلام با مشروعیت استخاره سازگار نیست، چون آیه تصریح دارد که استقسام بالأزلام فسق است و این همان استخاره ای است که در جاهلیت مرسوم بوده. بعد در ادامه سخن طبری و زمخشری را در ذیل این آیه می‌آورد که «و أن تستقسموا بالأزلام» را این‌ها به معنای طلب الخیر و قسمت الأرزاق بالسهام معنا کرده اند. ما گفتیم که مرحوم علامه اشکال کردند و گفتند به اینجا به معنای میسر و قمار است. ایشان قرینه ای را هم ذکر کرد که اصلاً نمی‌تواند در اینجا بحث طلب الخیر و قسمت

۱. قواعد فقهیه، ج ۱، ص ۷۴.

۲. زبدة البیان، ص ۶۲۶.

ارزاق باشد چون در صدر آیه آمده است: «و حرمت علیکم المیتة و الدّم»، آنوقت چطور در اینجا می‌تواند سخن از استقسام بالأزلام به معنای طلب الخیر و قسمت الأرزاق باشد؟

در اینجا مرحوم آقای بجنوردی اول اشاره می‌کند به برداشت طبری و زمخشری و تفسیر آنها از این آیه؛ بعد در ادامه می‌گوید که متوهم اینگونه توهم کرده است که این عمل عین استخاره ای است که شیعه انجام می‌دهد، چون قرآن گفته استقسام بالأزلام فسق است و استقسام بالأزلام هم عبارت است از طلب الخیر، پس استخاره ای که در شیعه وجود دارد از مصادیق فسق و حرام است.

آقای بجنوردی برای دفع این توهم می‌خواهد بگوید که اساساً آیه در مقام بیان این معنا نیست. استقسام بالأزلام در اینجا به معنای طلب خیر و قسمت ارزاق نیست. بلکه به همان معنای اول است یعنی همان که مرحوم علامه گفته، لذا این آیه در مقام پیام کیفیت اکل لحوم در جاهلیت است و می‌خواهد بگوید که این هم از جمله لحمی است که اکلش حرام است. البته بخاطر قمار بودنش حرام بوده.

بعد مرحوم آقای بجنوردی می‌گوید که این ربطی به استخاره و طلب الخیر ندارد. چون استخاره ای که در شیعه جریان دارد همان طلب الخیر است و آنچه این آیه می‌گوید مسئله قمار است. لذا این توهم که استخاره همان استقسام بالأزلام است، باطل و اصلاً آیه در مقام بیان فسق بودن این عمل و فاسق بودن مرتکب این عمل یعنی طلب الخیر کردن نیست. بعد ایشان در ادامه می‌گوید سلّمنا که منظور طبری درست باشد که آن تستقسموا بالأزلام اشاره به نوع دوم دارد که عبارت از طلب الخیر و طلب الأرزاق است؛ (بر فرض صحت سخن طبری و زمخشری)، باز هم ربطی به استخاره ندارد و معنایش حرمت استخاره نیست. چون آنها از هبل طلب الخیر می‌کردند و در استخاره ایکال الأمر إلى الله و تفویض الأمر إليه است. پس اینجا فرق بین استخاره و استقسام بالأزلام مشخص می‌شود که استقسام بالأزلام در آن دو نوعش اتکا به غیر خدا است اما در استخاره ایکال الأمر إلى الله و تفویض الأمر إليه است.^۱

بررسی کلام محقق بجنوردی

تا اینجا ما هم قبول داریم اما اشکال در این قسمت آخر است که محقق بجنوردی می‌گوید از این مطالبی که گفتیم، يظهر لك عدم صحة ما ذكره المقدس الأردبیلی؛ یعنی معلوم می‌شود که آنچه مقدس اردبیلی در اینجا فرموده صحیح نیست در حالی که با دقت در کلام مقدس اردبیلی معلوم می‌شود که او اصلاً این را نگفته است.

مقدس اردبیلی بعد از اینکه آیه «و أن تستقسموا بالأزلام» را نقل می‌کند، سه احتمال از صاحب مجمع البیان نقل می‌کند که در استقسام بالأزلام وجود دارد. احتمال اول آن این است: استخراج نصیب از قربانی با قرعه. محقق اردبیلی بعد از بیان این سه احتمال در ردّ احتمال اول در واقع دارد می‌گوید اگر منظور احتمال اول باشد، لازم می‌آید از آن تحریم

۱. قواعد فقهية، ج ۱، ص ۷۰ تا ۷۵.

استخاره مشهور که التی قال الأكثر بجوازاها بل بإستحبابها و يدلُّ علیه روایات. ایشان می‌گویند اگر منظور آیه این باشد، یلزم منه تحريمُ الإستخارة. ایشان این را در ردِّ احتمال اول صاحب مجمع البیان گفته است (که طبق بیان ما می‌شود نوع سوم) مگر می‌شود که اکثر قال بجواز چیزی باشند بل بإستحبابها و يدلُّ علیه روایت و آیه قرآن آن را تحریم کرده باشد. چطور می‌شود که بگوییم که منظور آیه این احتمال است و حکم به تحریم کنیم در حالی که روایات بر این احتمال دلالت دارد و اکثر بر استحباب و جوازش قائل اند و اصلاً استخاره مشهور همین است. پس چطور می‌توانیم آیه را اینگونه معنا کنیم و لذا محقق اردبیلی به هیچ وجه قائل به تحریم استخاره نیست.

«والحمد لله رب العالمين»